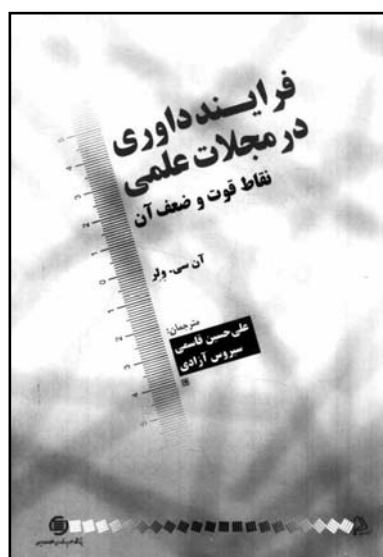


# فرايند داوري در مجلات علمي: نقاط قوت و ضعف آن

دکتر یزدان منصوریان<sup>۱</sup>

دانشیار دانشگاه خوارزمی

**داوران که اغلب از میان متخصصان و صاحب نظران حوزه های مختلف انتخاب می شوند، با مطالعه دقیق آثار دریافتی کاستی های احتمالی آنها را به نویسندگان یادآور می شوند؛ در مقابل اگر نقص های یک اثر جدی باشد، آنها موظفند با جلوگیری از پذیرش چنین اثری مانع از انتشار آثار بی اعتبار و ناموثق شوند**



■ **ولر، آن سی. فرايند داوري در مجلات علمي: نقاط قوت و ضعف آن.** ترجمه علی حسین قاسمی و سیروس آزادی. تهران: پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران و نشر چاپار، ۱۳۸۹. ۳۴۷ ص. شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۵۱۹-۷۱-۷

## مقدمه

داوری آثار علمی نوعی ارزیابی و نظارت نظام مند، کیفی و رسمی بر روند تولید دانش است. دانشی برگرفته از اندیشه ها و پژوهش های نوین که قرار است از طریق مجله های تخصصی یا سایر انواع انتشارات در اختیار جامعه قرار گیرد. داوری نظارتی نظام مند است، چرا که اغلب مجله های معتبر مسیر مشخصی برای بررسی آثار دریافتی پیش بینی کرده و معیارهای دقیق ارزیابی را در اختیار داوران قرار می دهند. از سویی دیگر، داوری یک ارزیابی کیفی است، چرا که آنچه در انجام آن اهمیت بنیادی دارد، کیفیت و محتوای آثار است. کیفیت هر اثر نیز در چارچوب اصول علمی و بر مبنای درستی و اعتبار داده ها و یافته های ارائه شده، و همچنین چگونگی تحلیل و تفسیر نویسنده بررسی می شود. سرانجام به اعتبار اینکه تمام مراحل داوری مکتوب و مستند است و امضاء

داوران برای پذیرش یا عدم پذیرش آثار همچون سندی قابل استناد محسوب می شود، می توان داوری را فرایندی رسمی تلقی کرد.

داوران که اغلب از میان متخصصان و صاحب نظران حوزه های مختلف انتخاب می شوند، با مطالعه دقیق آثار دریافتی کاستی های احتمالی آنها را به نویسندگان یادآور می شوند؛ اگر این کاستی ها جزئی باشند، توصیه های لازم را برای بهبود کیفیت هر اثر در اختیار نویسندگان قرار می دهد. در مقابل اگر نقص های یک اثر جدی باشد، آنها موظفند با جلوگیری از پذیرش چنین اثری مانع از انتشار آثار بی اعتبار و ناموثق شوند. مسئولیت داوران در این زمینه مسئولیتی حرفه ای و بسیار سنگین است؛ چرا که پذیرش یک اثر به معنای تأیید اعتبار و درستی مطالب آن است و اعتماد خوانندگان به مجلات تخصصی به توانایی و صلاحیت داوران آن در تشخیص این اعتبار و درستی بستگی دارد. علاوه بر این، داوران با ارائه پیشنهادهایی برای بهبود کیفیت آثاری که از حداقل ویژگی های لازم برای پذیرش برخوردارند، به طور غیرمستقیم به آموزش نویسندگان کم تجربه می پردازند و به آنان در یادگیری مهارت های نگارش علمی کمک می کنند. بنابراین، آنان یک نقش آموزشی نیز بر عهده دارند. از این رو، فرایند داوری به حدی مهم است که تاکنون موضوع صدها مقاله و ده ها کتاب را به خود اختصاص داده است. کتاب **فرايند داوري در مجلات علمي: نقاط قوت و ضعف آن** یکی از آثار جامع و مفید در این زمینه است که توسط خانم «آن سی ولر»<sup>۲</sup> نوشته شده، و به همت آقایان دکتر علی حسین قاسمی و سیروس آزادی به فارسی برگردانده شده است.

## درباره نویسنده

خانم «آن سی ولر» دانشیار و نایب رئیس کتابخانه علوم بهداشتی در دانشگاه ایلیونیز شیکاگو است. ایشان دارای مدرک کارشناسی شیمی و کارشناسی ارشد کتابداری و اطلاع رسانی از دانشگاه شیکاگو است. خانم ولر در کارنامه شغلی خود سابقه فعالیت در مسئولیت های متعددی را دارد، که از آن جمله می توان به مدیریت بخش مرجع کتابخانه «انجمن پزشکی امریکا»، و عضویت در

هیئت تحریریه «بولتن انجمن کتابداری پزشکی» اشاره کرد. او در کارنامه پژوهشی خود نیز انتشار چندین مقاله در زمینه دسترسی کاربران به اطلاعات، رفتار اطلاع‌جویی در محیط الکترونیکی، و داوری آثار علمی را به ثبت رسانده است. علاوه بر این، او نویسنده همکار در انتشار کتابی با عنوان از ارتباطات چاپی تا الکترونیکی: تغییر شکل ارتباطات علمی<sup>۲</sup> است.

### درباره مترجمان

آقای دکتر علی‌حسین قاسمی دانش‌آموخته سال ۱۳۸۵ دوره دکتری کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه فردوسی مشهد، و اکنون عضو هیئت علمی گروه کتابداری و اطلاع‌رسانی پزشکی در دانشگاه علوم پزشکی جندی‌شاپور اهواز هستند. ایشان در کارنامه پربرابر خود تاکنون تألیف و ترجمه چندین مقاله و چند کتاب را به ثبت رسانده‌اند. مرور این آثار نشان می‌دهد که حوزه‌های اصلی پژوهشی مورد علاقه ایشان مباحثی همچون سواد اطلاعاتی، آموزش کاربران و بازیابی اطلاعات است. ضمناً، ایشان به‌عنوان داور و ویراستار با تعدادی از مجلات تخصصی کتابداری و اطلاع‌رسانی همکاری دارند. تجربه طولانی آقای دکتر قاسمی در زمینه تألیف، ترجمه، ویراستاری و داوری مقالات علمی پشتوانه خوبی در به ثمر رسیدن ترجمه این کتاب بوده است. آقای سیروس آزادی نیز تاکنون در ترجمه چند کتاب با ایشان همکاری داشته‌اند، که از آن جمله می‌توان به ترجمه کتاب **قلمروهای نو در بازیابی اطلاعات** (قاسمی و آزادی، ۱۳۸۴) اشاره کرد.

### معرفی کتاب

کتاب حاضر از ۱۰ فصل تشکیل شده است. فصل اول با عنوان «مقدمه‌ای بر فرایند هم‌تراز خوانی دبیرانه»، تاریخچه نسبتاً مفصلی از این موضوع داوری آثار علمی و روند تکامل آن را ارائه می‌کند. ویرمعتقد است که هم‌زمان با تولد اولین مجلات علمی در ۳۰۰ سال پیش، به تدریج موضوع داوری پیش از انتشار مطرح شده است. وی بر این باور است نظارتی که بر مطالب مجله «مباحثات فلسفی مجمع سلطنتی»<sup>۴</sup> در انگلستان انجام می‌گرفته، نخستین کاربرد ثبت‌شده نظام داوری است. در قرن نوزدهم داوری مقالات با جدیت بیشتری در «مجله پزشکی بریتانیا»<sup>۵</sup> و مجله معروف «نیچر»<sup>۶</sup> دنبال شده، و به تدریج تا امروز در تقریباً تمام مجلات علمی و معتبر دنیا مرسوم شده است. در جدول بسیار مفصل ۱-۲ اطلاعات جالبی درباره وجوه مختلف فرایند داوری از ۱۳۹ مجله در حوزه‌های پزشکی و غیرپزشکی آمده است. بیش از ۵۰ درصد این مجلات در زمینه پزشکی است، و در ادامه نویسنده کتاب بخشی از تحلیل خود را از مطالب جدول مذکور ارائه کرده و بخش‌های تکمیلی را به فصل‌های بعدی ارجاع داده است.

فصل دوم با عنوان «رد دست‌نوشته»، به بررسی دلایل رد مقالات ضعیف اختصاص یافته است. براساس دیدگاه‌های سردبیران مجلات، برخی از مهم‌ترین دلایل عدم پذیرش مقالات عبارتند از: فقدان وجود

دانش جدید، سطحی بودن مطالب، پژوهش ناکافی، موضوع نامناسب، نوشتار ضعیف، بسیار نظریه‌پردازانه یا غامض بودن محتوا، وجود منابع مشابه جدیدالانتشار درباره موضوع، آمار غیردقیق و پیروی نکردن از رهنمودهای تألیف مجله. در ادامه این فصل نویسنده به جنبه‌های دیگری از دلایل این موضوع، نظیر نرخ ردشدگی بر مبنای رشته و واکنش مؤلفان به عدم پذیرش آثارشان می‌پردازد.

فصل سوم شامل توصیفی از نقش سردبیر مجلات علمی و اعضاء هیئت تحریریه است. در این فصل گزیده‌ای از دیدگاه‌های نویسندگان آثار دیده می‌شود. حاصل این نگرش‌ها را می‌توان اینگونه خلاصه کرد که، سردبیر واسطه‌ای میان نویسندگان و خوانندگان است که باید با رعایت انصاف، رازداری و بی‌طرفی مدافع حقوق هر دو گروه باشد. اعضاء هیئت تحریریه نیز سه نقش عمده بر عهده دارند، که عبارتند از: بررسی دست‌نوشته‌ها، تعیین ختامی مجله و اثرگذاری مثبت بر مجله به شیوه‌های مختلف.

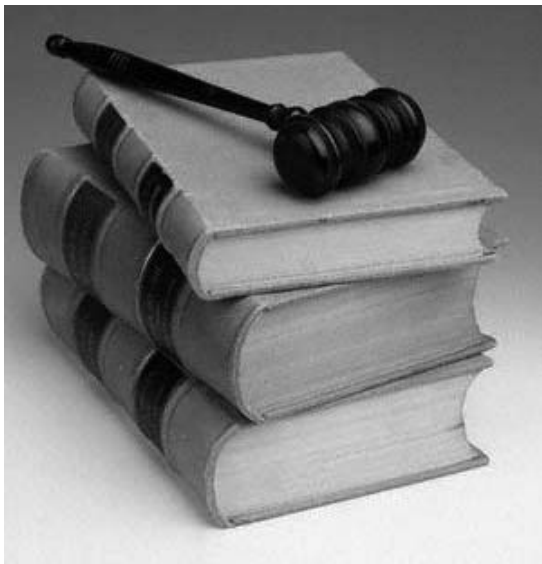
فصل چهارم با عنوان «مسئله تألیف»، به تبیین مسائلی بحث‌انگیز نظیر سهم نویسندگان در مقالات مشترک و معیارهای معمول در این زمینه می‌پردازد. چرا که در بسیاری از موارد مشخص نیست که چه میزان مشارکت در تولید یک اثر کافی است، که فرد مشارکت‌کننده به‌عنوان یکی از مؤلفان معرفی شود. در صفحه ۱۴۹ جدولی با عنوان «اصول و تعاریف سهم تألیف»، شاخص‌های پذیرفته‌شده برای پذیرش هر یک از مشارکت‌کنندگان به‌عنوان مؤلف همکار در تولید یک اثر براساس برخی از نهادهای بین‌المللی علمی - نظیر «کمیته بین‌المللی ویراستاران مجلات پزشکی»، «انجمن روان‌شناسی امریکا» و «جامعه شیمی امریکا» - گردآوری شده است.

بحثی که در فصل پنجم با تیتیر «نقش بررسی‌ها» آغاز می‌شود، نزدیک‌ترین موضوع به‌عنوان کتاب است. چرا که چهار فصل نخست کتاب به مقدمات و کلیاتی اختصاص یافته که به باور نویسنده برای پرداختن به بحث اصلی ضروری بوده است. منظور از «بررسی‌ها» همان «داوران» است که به هر دلیل مترجمان واژه «بررسی» را بر معادل آشناتر آن یعنی «داور» ترجیح داده‌اند. در این فصل معیارهای انتخاب داوران، معیارهای ارزیابی آثار، رهنمودهایی برای انجام داوری و محدودیت‌های متداول در انجام این وظیفه دشوار مورد بحث و بررسی قرار گرفته‌اند.

فصل ششم یکی از مفیدترین بخش‌های کتاب برای سردبیران مجلات است؛ چرا که در آن وجوه مختلف مشکلی مطرح شده که بسیاری از آنان در زمان تصمیم‌گیری نهایی برای پذیرش یا رد یک مقاله با آن مواجهند. این مشکل ناشی از عدم توافق دو داور در مورد یک مقاله است؛ زمانی که یکی از داوران مقاله را تأیید کرده و داور دیگر آن را رد کرده است. در چنین شرایطی معمولاً این وظیفه سردبیر است که آن مقاله را در اختیار داور سوم قرار دهد یا خود در این زمینه تصمیم نهایی را اتخاذ کند.

هفتمین فصل کتاب با عنوان «بررسی‌ها و سوگیری‌های آنان»، فصل مفیدی برای داوران است که عوامل ایجاد خطا و سوگیری در داوری و راهکارهای پرهیز از این عوامل را بهتر

**داوری آثار علمی**  
**نوعی ارزیابی و نظارت**  
**نظام‌مند، کیفی و**  
**رسمی بر روند تولید**  
**دانش است. دانشی**  
**برگرفته از اندیشه‌ها**  
**و پژوهش‌های نوین**  
**که قرار است از طریق**  
**مجله‌های تخصصی یا**  
**سایر انواع انتشارات**  
**در اختیار جامعه**  
**قرار گیرد**



باشد. بخشی از این موارد مربوط به ساختار و محتوای اثر است، که طبیعتاً به نویسنده متن اصلی مربوط است و مترجمان نقشی در آن نداشته‌اند. در مقابل، بخش دیگر مربوط به ترجمه است که می‌توانسته مورد توجه مترجمان قرار گیرد.

آنچه به متن اصلی بازمی‌گردد، بیشتر در ارتباط با عدم موفقیت کامل نویسندگان در مخاطب‌شناسی است؛ چرا که در نهایت مشخص نیست مخاطب اصلی کتاب کیست و چه کسانی بیشترین بهره را از مطالعه آن خواهند برد. هرچند مؤلف در ابتدای کتاب به روشنی تصریح می‌کند که هدف از نگارش این اثر بررسی نظام‌مند مطالعات منتشر شده درباره داوری است، و همه کسانی که به‌نحوی در فرایند نشر علمی مشارکت دارند، از آن بهره خواهند برد، اما این بهره‌مندی در حد دسترسی به یک مجموعه بزرگ از منابع مرتبط در این حوزه است، و این کتاب نمی‌تواند همچون دستنامه‌های کاربردی در اختیار آنان قرار گیرد. مثلاً بعید است بسیاری از داوران تمایلی به دانستن این همه جزئیات در خصوص تاریخچه داوری و رویکردهای مختلف مجلات در این زمینه و سایر بحث‌های حاشیه‌ای داشته باشند. از سویی دیگر، محتوای کتاب برای مسئولان مجله‌ها نیز بسیار حجیم‌تر و مفصل‌تر از آن است که بتوانند به‌عنوان یک راهنمای عملی از آن استفاده کنند. به این ترتیب، به نظر می‌رسد این کتاب بیش از همه برای پژوهشگرانی نوشته شده که قصد دارند در زمینه داوری آثار علمی و عوامل مؤثر بر آن تحقیق کنند، که البته در جای خود ارزشمند است. اما در سودمندی این کتاب برای همه کسانی که در فرایند نشر آثار علمی مشارکت دارند، کمی تردید وجود دارد. شاید به همین دلیل است که نویسندگان نیز در همان ابتدای کتاب هوشمندانه اثر خود را برای آنان بیش از آنکه «سودمند» معرفی کنند، «جالب» معرفی کرده است. البته، این ویژگی کتاب به هیچ وجه از ارزش آن نمی‌کاهد. فقط نشان‌دهنده رویکرد این اثر است که بیش از آنکه حاوی راهکارهای عملی باشد، یک مرور جامع از آثار مرتبط در این زمینه است.

نداشتن نمایه یکی دیگر از کاستی‌های کتاب است. البته، با توجه به عمومیت وجود نمایه در کتاب‌های انگلیسی، بعید است

بشناسند. از آنجا که قرار است داوری یک ارزیابی منصفانه و بی‌طرفانه باشد، داور نباید در این ارزیابی دیدگاه‌های شخصی خود را دخالت دهد، و موظف است بررسی خود را فقط بر مبنای معیارهای علمی استوار سازد. در این فصل چهار نوع سوگیری احتمالی در ارزیابی آثار معرفی شده، که عبارتند از: «سوگیری‌های شخصی»، «سوگیری‌های روش‌شناختی»، «سوگیری‌های استنتاج»، و «سوگیری‌های مرتبط با اعتبار».

فصل هشتم با عنوان «هم‌ترازخوانی و بررسی آماری»، درباره مشکلاتی است که معمولاً در تحلیل‌های آماری مقالات وجود دارد. نتایج برخی از مطالعات نشان داده که گویا کاستی‌های آماری مقالات فراگیرتر از آن است که به نظر می‌رسد. البته، بسیاری از این خطاهای آماری جزئی و موردی است، و فقط در برخی از این موارد خطاهای آماری جدی و اساسی رخ می‌دهد. به هر حال، در مطالعات این حوزه پیشنهاد شده که مجلات برای بررسی صحت و تناسب تحلیل‌های آماری از مشاوران آماری کمک بگیرند. فصل نهم که از کوتاه‌ترین بخش‌های کتاب است، به موضوع «هم‌ترازخوانی در محیط الکترونیکی» اختصاص یافته است. در این فصل به خوانندگان وعده ارائه مدل‌هایی در زمینه هم‌ترازخوانی در محیط الکترونیکی داده شده، اما مطالعه این فصل چنین وعده‌ای را محقق نمی‌سازد و مباحثی نه‌چندان روشن مطرح شده که نتیجه دقیقی نیز در پی ندارد. سرانجام، کتاب حاضر در فصل دهم با عنوان «نتیجه‌گیری درباره مطالعات هم‌ترازخوانی دبیرانه» به پایان می‌رسد. در این فصل نویسنده تلاش می‌کند جمع‌بندی خود را از مباحث فصول پیشین ارائه کند و پیشنهادهایی برای استمرار تحقیق در این زمینه مطرح سازد.

#### امتیازها و کاستی‌ها

مهم‌ترین امتیاز این اثر جامعیت و گستردگی تحسین برانگیز دامنه استناد آن به آثار مرتبط است. به سخنی دیگر، کتاب حاضر نمونه موفق‌تری از یک «مرور نظام‌مند» است. چرا که نویسنده انبوهی از آثار منتشر شده در زمینه داوری را گردآوری و بررسی کرده است. فقط در فصل نخست کتاب به ۲۹۲ منبع استناد شده است. اطلاعات کتاب‌شناختی این آثار در انتهای این فصل خود به تنهایی نقش یک کتاب‌شناسی جامع در زمینه داوری را ایفا می‌کند. این جامعیت از یک سو مدیون تلاش گسترده نویسنده در جست‌وجوی منابع مرتبط است، و بخشی از آن نیز ناشی از وجود یک کتاب‌شناسی جامع در این زمینه بوده که در سال ۱۹۹۳ توسط فردی به نام «اسپک» منتشر شده است (اسپک، ۱۹۹۳). البته، شرحی که نویسنده در «یادداشت مؤلف» درباره چگونگی دسترسی به منابع مرتبط نوشته است، نشان می‌دهد که وی وقت و انرژی فراوانی برای یافتن این منابع صرف کرده و در بسیاری از موارد بازیابی اطلاعات را به جست‌وجوهای متعارف در پایگاه‌های اطلاعاتی محدود نساخته، و در بسیاری از موارد با دنبال کردن استنادها در مقالات بازیابی شده دامنه این جست‌وجو را گسترش داده است.

در کنار تمام امتیازهای کتاب حاضر، نکات معدودی به نظر می‌رسد که رعایت آنها می‌توانست برای ارتقاء کیفیت این اثر مفید

#### در نهایت مشخص نیست مخاطب اصلی کتاب کیست و چه کسانی بیشترین بهره را از مطالعه آن خواهند برد

و قابل تقدیر است، و مواردی از این دست از ارزش کار آنان نمی‌کاهد؛ به‌ویژه آنکه تا آنجا که اطلاع دارم این کتاب احتمالاً نخستین اثر مستقل در قالب یک کتاب کامل است که به زبان فارسی در زمینه فرایند داوری منتشر شده است.

#### نتیجه‌گیری

ترجمه کتاب فرایند داوری در مجلات علمی گام مؤثری در تولید منابع فارسی در این زمینه است. انتشار این اثر می‌تواند مقدمه‌ای برای شروع تحقیقات مستقل و مفصل در این حوزه باشد؛ به‌ویژه اینکه پس از رشد چشمگیر مقالات فارسی در سال‌های اخیر و گسترش تعداد و تنوع مجلات، اکنون زمان آن فرا رسیده که به مباحثی بنیادی در زمینه انتشارات علمی بیشتر توجه کنیم، و بی‌تردید «داوری» یکی از این مباحث است. بر این اساس، دانشجویان تحصیلات تکمیلی در رشته‌هایی نظیر ارتباطات، کتابداری و اطلاع‌رسانی، که موضوعات درسی آنان با فرایند نشر پیوند عمیق‌تری دارد، می‌توانند از این کتاب برای یافتن موضوع پایان‌نامه استفاده کنند. ضمناً متولیان نشریات علمی کشور نیز می‌توانند براساس توصیه‌های این کتاب تحقیقاتی در زمینه داوری انجام دهند تا زمینه لازم برای بهبود فرایند داوری فراهم شود.

#### پی‌نوشت‌ها

1. mansourian@tmu.ac.ir
2. Ann C. Weller (<http://www.uic.edu/depts/lib/admin/resources/facprofiles/weller.shtml>)
3. From Print to Electronic: The Transformation of Scientific Communication
4. Philosophical Transactions of the Royal Society
5. British Medical Journal
6. Nature
7. Systematic Review
8. Peer Review
9. Reviewer/Referee
10. Editorial Peer Review

#### مآخذ

- ریکاردو بیزا – بیتس، برتیه ریبرو – نتو (۱۳۸۴). «قلمروهای نو در بازیابی اطلاعات (جلد اول)». ترجمه علی حسین قاسمی با همکاری سیروس آزادی و علی جوامع. تهران: نشر چاپار.
- Speck, B. W. (1993) *Publication Peer Review: An Annotated Bibliography*, Vol. 7, Westport, Connecticut: Greenwood Press.
- Weller A. C. (2001) *Editorial Peer Review: Its Strengths and Weaknesses*, Information Today.

متن اصلی فاقد نمایه بوده باشد و شاید این مشکل در ترجمه ظاهر شده باشد. همچنین، فهرست منابع هر فصل جداگانه در انتهای فصول آمده و کتاب فاقد یک فهرست کامل در انتها است.

آنچه به ترجمه مربوط می‌شود، یکی مربوط به فاصله ۱۰ ساله میان انتشار متن اصلی و زمان انتشار ترجمه آن است؛ به‌طوری که متن اصلی در سال ۲۰۰۱ منتشر شده (ولر، ۲۰۰۱) و ترجمه آن در سال ۲۰۱۱ به دست خواننده فارسی زبان رسیده است. البته، مترجمان محترم دلایل این تأخیر در انتشار را در مقدمه توضیح داده‌اند، اما در نهایت این زمان از دست رفته است. نکته دیگر مربوط به دشواری معادل‌سازی واژه‌های کلیدی این متن است. این دشواری کاملاً قابل درک است و هر مترجم دیگری نیز اگر با چنین مجموعه‌ای از واژگان تخصصی حوزه داوری مواجه می‌شد، کار یافتن معادل‌های روان و گویا برایش مشکل بود. چرا که اغلب این واژگان مفاهیم خاص این حوزه و همراه با تعاریف عملیاتی خود هستند و معادل‌های دقیقی در فارسی برایشان وجود ندارد. به‌ناچار مترجمان مجبور بوده‌اند با معادل‌سازی راهکاری برای خروج از این بن‌بست بیابند. این گرفتاری از عنوان کتاب شروع شده است، که خوشبختانه به‌خوبی مشکل عنوان را حل کرده‌اند. اما در درون متن، احتمالاً با هدف وفاداری کامل به متن اصلی، خود را به استفاده از ترجمه‌های تحت‌اللفظی محدود کرده‌اند. مثلاً «هم‌تراز خوانی»<sup>۱</sup> را می‌توان با کمی تسامح «داوری» ترجمه کرد، و به‌جای «بررس»<sup>۲</sup> می‌توانستند از واژه آشناتری مثل «داور» استفاده کنند. این مشکل در مورد ترکیب‌های نامانوس دیگری مثل «هم‌تراز خوانی دبیرانه»<sup>۳</sup>، «لتصابات دبیرانه»، «رهنمودهای دبیرانه»، «بررس‌ها»، «سوگیری دبیران» و «ترخ ردشدگی» وجود دارد. چرا که بعید است خوانندگان بدون مطالعه متن ترجمه‌شده بتوانند معانی این مفاهیم را حدس بزنند. البته، دشواری تصمیم‌گیری در خصوص انتخاب بهترین معادل برای مفهومی که معادل فارسی دقیق و جاافتاده‌ای ندارد، کاملاً قابل درک است. دقت و تعهد مترجمان این کتاب نیز در این زمینه کاملاً آشکار است. اما واقعاً باید دید در نهایت خواننده با کدام یک از این معادل‌ها ارتباط بهتری برقرار می‌کند. شاید هم یک استدلال این باشد که می‌توان معادل‌های جدید را به‌تدریج فراگیر ساخت، که این خود بحث مفصلی خارج از حوصله این نقد و بررسی مختصر است.

همچنین، در بخش‌هایی از متن گویی افراط در وفاداری به متن اصلی، که در جای خود از امتیازهای یک ترجمه خوب است، متن فارسی را به سوی ترجمه تحت‌اللفظی سوق داده است. مثلاً در ابتدای صفحه ۲۶۵ می‌خوانیم:

«گلدبرگ و همکاران او، در یک مطالعه منحصر به فرد نسبت به زمان حاضر، درباره اثر تغییر رژیم غذایی یتیم‌های پرورشگاهی بر پیشرفت یک بیماری به‌نام پلاگر به تحقیق پرداختند.»

می‌توان با کمی ویرایش این جمله را اینگونه کمی کوتاه‌تر و هموارتر ساخت بدون آنکه به معنی آن آسیبی وارد شود:

«گلدبرگ و همکارانش در مطالعه‌ای، متفاوت با آنچه امروز معمول است، تأثیر تغییر در رژیم غذایی کودکان پرورشگاهی را بر پیشرفت بیماری پلاگر بررسی کردند.»

البته، تلاش مترجمان در برگردان این متن به فارسی ستودنی